

راهبردهای اجتماعی و فرهنگی امنیت پایدار با تأکید بر گفتن انقلاب اسلامی

ابوالقاسم فاتحی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۲/۳۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۴/۲۹

فصلنامه آفاق امنیت/ سال پنجم / شماره پانزدهم - تابستان ۱۳۹۱

چکیده

هدف نهایی مقاله توصیفی - تحلیلی حاضر که با روش کتابخانه‌ای تهیه شده، کندوکاو نظری درباره راهبردهای اجتماعی و فرهنگی امنیت پایدار است. سؤال اصلی این است که مهم‌ترین راهبرد اجتماعی و فرهنگی امنیت پایدار چیست؟ امنیت پایدار که امروز به مفهومی میان‌رشته‌ای تبدیل شده است، بدون راهبردهای اجتماعی و فرهنگی به دست نمی‌آید. در این مقاله منظور از امنیت پایدار، امنیت اجتماعی شده فرهنگ‌محور است. بر اساس یافته‌های بررسی حاضر، دو راهبرد کلیدی برای جامعه فعلی ایران پیشنهاد می‌شود: یکی، مردم‌محوری و دیگری، ظرفیت‌سازی.

واژگان کلیدی

امنیت پایدار، راهبردهای اجتماعی و فرهنگی، مردم‌محوری، ظرفیت‌سازی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



مقدمه

امنیت یکی از نیازهای اولیه، بنیادین و فطری انسان است. انسان موجودی فرهنگی و اجتماعی است و به همین دلیل در پی امنیت اجتماعی شده فرهنگ‌محور است که امنیتی پایدار، فراگیر و مطمئن باشد و بتواند در سایه آن به حیات اجتماعی تعالی‌جویانه و کمال‌خواهانه خود و هم‌نوعانش برسد. امنیت از یک سو، تمام زوایای زندگی فردی و اجتماعی انسان را دربرگرفته و در سطوح روانی، فرهنگی و اخلاقی و نیز رفتارهای اجتماعی انسان قابل مشاهده و مطالعه است و از سوی دیگر، بر حوزه‌های فردی و اجتماعی تأثیرگذار است. امنیت مفهومی چندوجهی است. هم‌چنین امنیت پدیده‌ای ادراکی و احساسی است. در واقع، باید در ذهن مردم و تصمیم‌گیران این اطمینان به وجود آید که برای ادامه زندگی بدون دغدغه، امنیت لازم است. مفهوم امنیت به دلیل ذهنی و نسبی بودن و عدم امکان تعریف مطلق آن، ابهام‌های فراوان دارد و تعاریف از آن گوناگون است.

ضرورت و اهمیت این بحث از دو جهت نظری و عملی و جامعه‌شناختی است. به لحاظ نظری که حاصل ادبیات تولیدشده در زمینه امنیت پایدار است، دست کم سه نکته مطرح است: اول، امنیت پایدار پیش‌نیاز هرگونه توسعه پایدار و همه‌جانبه است. دوم، تحقق امنیت پایدار در گرو شناخت و اتخاذ راهبردهای اجتماعی و فرهنگی مؤثر است، زیرا تجربه امنیت جهانی پس از جنگ جهانی دوم تاکنون نشان می‌دهد که امنیت پایدار در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی که برآمده از مؤلفه‌های قدرت سخت یا نیمه‌سخت باشد، ناپایدار است. سوم، صورت‌بندی کمی و کیفی یک یا چند راهبرد اساسی فرهنگی و اجتماعی به منظور تحقق امنیت پایدار در برنامه‌ریزی‌های ملی مستلزم شناخت درست مؤلفه‌های مؤثر و کارای فرهنگی و اجتماعی فعال در محیط داخلی و خارجی است که این امر نیازمند به بحث گذاشتن این موضوع و کندوکاوهای نظری درباره آن میان صاحب‌نظران است.

به لحاظ جامعه‌شناختی و در میدان عمل اجتماعی و فضاهای اجتماعی، چالش اصلی در فقدان یا ضعف شکل‌گیری امنیت پایدار، سرمایه اجتماعی منفی تولید می‌کند، لذا مسائل و مشکلات حادی در روابط اجتماعی پیدا می‌شود. برخی از این مشکلات و آسیب‌ها عبارت‌اند از: احساس ناامنی ذهنی و اجتماعی، احساس بی‌اعتمادی (در سطح فردی، اجتماعی، نهادی و سیاسی)، کاهش سطح مشارکت‌های



اجتماعی و سیاسی، افزایش روحیه قانون‌گریزی، احساس نوعی انومی و بی‌هنجاری اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی و در نهایت احساس بی‌عدالتی.

کندوکاو لغوی و مفهومی امنیت

ابتدا مروری کوتاه بر معانی امنیت می‌شود. ایمن شدن و در امان ماندن و بدون بیم و هراس بودن (فرهنگ معین، ۱۳۶۳: ۳۵۲)؛ اطمینان و آرامش خاطر (المنجمد، ۱۹۷۳: ۱۸)؛ فارغ بودن از بیم تهدید به جان و مال و شرف و آبرو، ایمنی، ایمنی و آسودگی (فرهنگ عمید، ۱۳۷۲: ۲۳۳ و ۲۷۱)؛ وجود اطمینان به سلامت تن و جان، مال و ناموس (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۸)؛ مصون بودن و حالت فراغت عموم افراد جامعه از تهدیدها یا اقدامات خلاف قانون شخص، گروه و دولت (همان). «راغب»، لغت‌شناس برجسته قرآن کریم، واژه امنیت را از مصدر امن، امانت و امان می‌داند و آن را طمأنینه و آرامش نفس و از میان رفتن ترس و خوف معنا کرده است و آن را بر حالت و وضعی اطلاق می‌کند که انسان در آرامش باشد. گاه بر چیزهایی اطلاق می‌شود که انسان بر آن امانتدار و امین است. آشوری امنیت را معادل لاتین Security در معنای حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله یا آمادگی برای روبرویی با هر تهدید آورده است. وی امنیت را اصطلاحی سیاسی و حقوقی می‌داند که شامل امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و امنیت بین‌المللی است (آشوری، ۱۳۷۸: ۳۸). بوزان آن را در معنای محافظت در مقابل خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید آورده است (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲). اما برداشت‌ها و درک‌های متفاوتی از مفهوم امنیت وجود دارد. مفهوم امنیت در دل خود نوعی پیچیدگی دارد و در پیشینه تاریخی خود با نوعی تحول معنایی جدال‌انگیز روبه‌رو بوده است. مبهم و غیرقابل تعریف بودن، تعیین وضعیت ناامنی با وضعیت امن و نیز جنبه‌های ذهنی و نسبی بودن امنیت از دلایل این پیچیدگی است. تغییر مفهوم سنتی امنیت به برداشت‌های جدید و هم‌چنین تأکید بر ابعاد داخلی و نگرش غیرنظامی به امنیت و تغییر رویکرد در مبنای قدرت ملی از نگاه‌های سخت‌افزاری به نگاه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از جمله دلایل تحول معنایی است. حال اگر در جامعه اطلاعاتی و شبکه‌ای امروز که به کمک فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی به سرعت و در گستره‌های ملی و جهانی رو به رشد و در حال تغییرند صفت پایدار بر آن افزوده شود، پیچیدگی مفهومی امنیت بیش از پیش مشخص می‌گردد.



تعاریف و برداشت‌های دیرینه‌شناسه این مفهوم بیشتر بر حفظ جان، صیانت نفس و امنیت اموال و دارایی تأکید دارد. اما در تعاریف معاصر، امنیت به مقوله‌ای چندوجهی تبدیل شده است و عرصه‌های مختلف حیات بشری را دربرمی‌گیرد. عرصه‌هایی مانند آزادی، مشارکت سیاسی (از حوزه امنیت سیاسی)، تأمین اشتغال، مسکن، رفع فقر، رفاه و حفظ حقوق افراد در محاکمه قضایی، امنیت سرمایه‌گذاری و... (از حوزه امنیت اقتصادی و حقوقی)، بهره‌گیری از اوقات فراغت (از حوزه امنیت اجتماعی)، حفظ حریم خصوصی و فردی، آرا و اندیشه‌های شخصی و... (از حوزه امنیت فردی)، آرامش خاطر، رفع دغدغه‌ها و نگرانی‌های روحی و روانی و... (از حوزه امنیت روانی). بوزان برای امنیت دو وجه عینی و ذهنی بیان کرده است. «امنیت در معنای عینی یعنی فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب‌شده و در معنای ذهنی یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش‌های مذکور مورد حمله قرار گیرد» (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۲). برخی امنیت را نه تعریف کردنی بلکه ادراکی و احساسی می‌دانند (کاظمی، ۱۳۵۲).

در دهه ۱۹۹۰ امنیت در رشته روابط بین‌الملل تدریس و از حیطة اختصاصی دولت خارج شد. هم‌چنین طی دو دهه اخیر این مفهوم با جامعه‌شناسی، سیاست‌گذاری اجتماعی، بررسی‌های راهبردی و مدیریت بحران پیوند خورد. در همین سال‌ها موضوع کانونی دولت از محدودیت و مرجعیت امنیت خارج شد و به جای آن جامعه و شهروندان قرار گرفت (به نقل از طیب www.csss.ir).

امنیت در زندگی روزمره مردم در هر سطحی که تصور شود (فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و...) مفهومی به‌هم‌پیوسته و کلیت واحدی است که ابتدا باید در نگرش‌ها، ایستارها و رفتارهای مردم نهادینه شود، مردم آن را درک کنند، بپذیرند و سپس بر اساس آن عمل کنند و تعاملات اجتماعی و کنش‌های فردی، میان فردی و نهادی خود را بر مبنای امنیت و آرامش قرار دهند.

پیشینه و ادبیات نظری تولیدشده در خصوص امنیت، امنیت اجتماعی و امنیت پایدار

تاکنون پژوهشگران و اندیشمندان از حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و سیاسی از امنیت، امنیت اجتماعی و امنیت پایدار تعاریف و برداشت‌هایی گوناگون ارائه کرده‌اند. آنان هر کدام زوایایی از این مفهوم را برجسته و بر آن تأکید کرده‌اند. واژه‌های



societal security و community security و security social در فارسی به امنیت اجتماعی ترجمه شده است. در برخی متون social security به تأمین اجتماعی هم ترجمه شده است. «امنیت اجتماعی عبارت است از توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، ملی، جنس و... در حفظ هستی و هویت خود» (بوزان، ۱۹۸۸: به نقل از نصری (www.csss.ir)). «دویچ» امنیت اجتماعی را برآمده از احساس جمعی بسط یافته و نهادینه شده مردم می‌داند که حیات اجتماعی آنان را بیمه می‌کند (۱۹۹۹: oetschel G به نقل از طیب (www.csss.ir)) برخی دیگر مانند «گکز» آن را در معنای وسیع تری مانند حقوق بشر، توسعه، مسائل جنسیتی، عدالت و محیط سالم به کار برده‌اند. «آلکایر» (۲۰۰۵) بر معنای سلبی امنیت اجتماعی مانند تهدیدها، خشونت‌های داخلی، بحران‌های مالی، فقر، جنگ و رفتارهای جنایی متمرکز شده است (همان، ۱۹۹۹). مک سوئینی (Mc Sweeny) در تعریف امنیت اجتماعی بر چگونگی تولید و بازتولید جامعه از منافع و هویت خویش تأکید دارد. «هایزمن» در تعریف امنیت اجتماعی بر جنبه هویت فرهنگی جامعه بیش از حاکمیت دولت‌ها تأکید دارد (۲۰۰۳ و Bilgin). نویدنیا (۱۳۸۸) در اثر خود امنیت اجتماعی را مربوط به سال ۱۹۹۳ م دانسته است که برای اولین بار در مکتب کپنهاگ طرح شد. اما طرح موضوع خاستگاه سیاسی داشت و بیشتر بار امنیت ملی را بر دوش می‌کشید. دو عنصر دولت‌نگری به امنیت اجتماعی و تهدیدمحوری از پیش‌فرض‌های اصلی این دیدگاه بود، در حالی که نگاه جامعه‌شناسان به مقوله امنیت اجتماعی متفاوت است. پور هاشمی (۱۳۸۲) در تحقیق خود «احساس امنیت» را از خود امنیت مهم‌تر می‌داند، زیرا احساس امنیت، درکی روان‌شناختی است که بر پایه مشاهدات اجتماعی فرد ساخته می‌شود. این بازتولید روانی - اجتماعی می‌تواند امنیت واقعی و عینی موجود را برای افراد جامعه بیشتر یا کمتر نشان دهد. به همین دلیل «احساس امنیت» از «امنیت» بااهمیت‌تر است. افتخاری نقش سرمایه اجتماعی و نهادهای مدنی را در تولید امنیت اجتماعی مؤثر می‌داند. وی سرمایه اجتماعی را ناظر بر منابع موجود در تعاملات اجتماعی کنشگران اجتماعی می‌داند و برای آن هشت شاخص بیان می‌کند: ۱. وفاداری، ۲. اعتماد، ۳. اتصالات شبکه‌ای، ۴. اقتدار فردی، ۵. هویت سازمانی، ۶. عمل متقابل، ۷. هنجارهای اجتماعی، ۸. اعتبار (افتخاری، به نقل از سایت www.aftab.ir، ۹۰/۱۰/۱۲). هم‌چنین به اعتقاد وی، دولت برای افزایش سرمایه

اجتماعی باید به پنج اقدام اساسی دست بزند: ۱. افزایش کارآمدی؛ ۲. کاهش فساد؛ ۳. رفع تعارضات ساختاری؛ ۴. مشارکت جویی؛ ۵. قدردانی از نیروهای مولد تولید سرمایه اجتماعی و فرهنگی. اما در ارتباط با توانمندسازی نهادهای مدنی وی پنج توصیه دارد: آگاهی‌بخشی، امیدبخشی، جلوگیری از تنش، اصلاح‌گری و هدف‌بخشی (همان).

سالار در مقاله خود به مؤلفه‌های امنیت در اندیشه امام خمینی (ره) اشاره کرده است و آن را شامل عدالت اجتماعی، امنیت شغلی و مسکن، مبارزه با مفاسد و انحرافات اجتماعی، نظارت عمومی و امر به معروف و نهی از منکر می‌داند. عبدالحمیدی در اثر خود با استناد به نامه ۵۳ نهج‌البلاغه حضرت علی (علیه السلام) به مالک اشتر به نمونه‌هایی از سخت‌گیری‌های آن حضرت نسبت به کارگزاران که به اموال مردم دست‌درازی کرده‌اند، اشاره کرده است (۹۰/۱۱/۱۵. www.tebyan.net).

به اعتقاد سورک (suhrke, 1999)، امنیت انسانی چیزی بیش از شعاری گوش‌نواز نیست که از سوی حکومت‌های کانادا و نروژ به عنوان ترجیح‌بند تازه در حوزه سیاست خارجی تبلیغ شد (www.CSSS.ir). نیلی در مقاله خود با عنوان «مفهوم‌شناسی جنبه‌های اقتصادی امنیت اجتماعی» از سه شاخص ترکیبی اقتصادی و اجتماعی که بر امنیت اجتماعی تأثیر دارند، نام برده است. این سه شاخص عبارت‌اند از: اول، سطح زندگی مناسب و شایسته؛ دوم، عدالت در توزیع امکانات زندگی؛ سوم، ثبات، پایداری، آرامش و اعتماد عمومی (به نقل از طیب در سایت www.CSSS.ir). رومینا، در اثر خود به نام تحول در مفهوم امنیت عوامل مؤثر بر تغییر مفهوم امنیت از نگاه سنتی به جدید را در دو گروه دسته‌بندی کرده است. گروه اول شامل تحولات قرن بیستم مانند جهانی شدن، گسترده‌گی مبادلات فرهنگی، اقتصادی و فکری و ظهور جامعه جهانی است. گروه دوم شامل متغیرهای اقتصادی (غنا اقتصادی، مبادلات اقتصادی، تأمین نیازهای اقتصادی و رفاه عموم مردم)، متغیرهای سیاسی (حاکمیت سیستم مقتدر با پشتوانه مردمی و تأیید توسط مردم)، عوامل رسانه‌ای (داشتن منابع اطلاعات و ارتباطی) و متغیرهای فرهنگی (گسترش فرهنگ جهانی و تنی شدن فرهنگ داخلی و بی‌هویتی فرهنگی) است (www.CSSS.ir).

سوئینی (۱۹۹۶) ادعای بوزان را مبنی بر اینکه زندگی جامعه در گرو هویت آن است نمی‌پذیرد، اما بدیلی در مقابل آن ارائه می‌دهد. وی نظر بوزان را که مقوله هویت معادل امنیت اجتماعی است، رد کرده است. سوئینی به جای هویت (که آن را



به زیان اتحادیه اروپا می‌داند) منابع و مشروعیت را عامل اصلی امنیت تلقی می‌کند (سوئینی به نقل از طیب در سایت www.csss.ir). هایزمن معتقد است: «امنیت اجتماعی بر تهدیدها علیه هویت فرهنگی بیش از حق حاکمیت دولت‌ها متمرکز است» (همان). به اعتقاد روچیلد، هدف نهایی امنیت در آثار کلاسیک مانند سیسرو، سنکا، آدم اسمیت، رنه دکارت و... معطوف سعادت، خوشبختی انسان و آزادی درونی وی بوده است، در حالی که این اهداف اصلی از ابتدای قرن ۲۱ تغییر اساسی کرده و به مقولاتی مانند رفاه، نظم، برخورداری، امنیت جامعه و امنیت بین‌المللی تبدیل شده است. (به نقل از طیب، www.csss.ir). تأثیر سرمایه فرهنگی در ارتقای امنیت اجتماعی یکی دیگر از شاخص‌های مؤثر و مهم در تولید و بازتولید امنیت اجتماعی است که صالحی امیری و افشاری نادری در اثر خود بدان اشاره کرده‌اند. برخی مرجع امنیت اجتماعی را گروه‌های اجتماعی می‌دانند. آنان احساس خطر هویتی گروه‌های اجتماعی را مهم‌ترین منبع تهدید برای امنیت اجتماعی بیان کرده‌اند. برعکس ابراز وجود هویتی، طراحی و به نمایش گذاشتن و صدور سبک زندگی گروه‌های اجتماعی را از نشانه‌ها و شاخص‌های امنیت اجتماعی شمرده‌اند (به نقل از نصری، www.csss.ir). میرسندسی (۱۳۹۰) امنیت را نوعی تولید اجتماعی می‌داند که به وسیله نهادهای واسط اجتماعی در هر یک از خرده‌نظام‌های اجتماعی در بسترهای اجتماعی تولید می‌شود. جابه‌جایی در ارزش‌های اجتماعی به ویژه جایگزینی معروف به جای منکر یا منکر به جای معروف به دو نوع امنیت اجتماعی مثبت و منفی می‌انجامد. نهادسازی، ساختارسازی و ایجاد سازمان‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منهای ارزش‌های بنیادین دینی و اسلامی به تدریج سبب تولید امنیت اجتماعی منفی می‌شود و برعکس ظرفیت‌سازی‌های اجتماعی، تولید تعاملات و کنش‌های اجتماعی و تأسیس نهادهای اجتماعی ارزش‌مدار سبب تولید امنیت اجتماعی پایدار و مثبت می‌شود.

مجردی (۱۳۸۹) در بحث خود درباره شبکه‌های اجتماعی مجازی از منظر امنیت اجتماعی به نقش فضای وب ۲ پرداخته است. وی معتقد است تحولی که در فضای وب ۲ ایجاد شده کاربران اینترنتی را به اصلی‌ترین تولیدکنندگان محتوایی در فضای مجازی تبدیل کرده است و از این طریق تمام رایانه‌های شخصی کاربران به منبع تغذیه و تولید محتوا برای دیگران تبدیل می‌شود و همه می‌توانند آنچه را دارند اعم از

فضاهای خالی یا محتواهای ذخیره شده در رایانه‌های شخصی خود در اختیار دیگران قرار دهند. در واقع، نوعی به اشتراک گذاشتن نرم‌افزاری و سخت‌افزاری همگانی و میلیونی ایجاد می‌شود که می‌تواند به مهم‌ترین رسانه‌های اجتماعی قدرتمند در شبکه‌های اجتماعی مجازی تبدیل شود. این شبکه‌ها از گروه‌های کوچک ۲ و ۳ نفری تا گروه‌های پرتعداد در حوزه‌های جغرافیایی بدون مرز (جهانی) را پوشش می‌دهند. به اعتقاد مجردی، آینده فضای اینترنت در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متعلق به شبکه‌های اجتماعی است. مخدوش شدن انواع هویت‌های ملی، خانوادگی، شبه‌افکنی در اعتقادات و باورهای دینی مردم و میان‌تهی کردن تدریجی اعضای جامعه از فرهنگ ملی و هویت ایرانی از مهم‌ترین تأثیرات شبکه‌های اجتماعی است که می‌تواند بر مؤلفه‌های سازنده امنیت اجتماعی اثر منفی داشته باشد (همان). باری بوزان، امنیت اجتماعی را به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع می‌دهد که بر مبنای آن افراد خود را عضو یک گروه خاص اجتماعی تلقی کرده‌اند. به عبارت دیگر، امنیت اجتماعی معطوف جنبه‌هایی از زندگی شخص است که هویت او را تضمین می‌کند (www.csss.ir). برخی هم امنیت اجتماعی را مصونیت جامعه از هرگونه مزاحم، ترس، تهدید یا وضعیتی که در آن ارزش‌های حیاتی جامعه در خطر باشد، می‌دانند و مصادیق اختلال در امنیت اجتماعی را مسائلی مانند باندهای فساد و فحشا، بدحجابی، ماهواره، مشروبات الکلی، اغفال و فریب‌کاری و رمالی، فرق و عرفان‌های کاذب، اقلام مبتذل فرهنگی و آسیب‌های خانوادگی می‌دانند. نصری امنیت اجتماعی را اطمینان خاطر افراد جامعه و نیز گروه‌های اجتماعی نسبت به موجودیت و انسجام خود در قبال تحركات عمدی (مانند کوچاندن هوشمند یک قوم) و تحولات عادی (مانند زلزله یا گسست نسلی) می‌داند. از نظر وی، عناصر اصلی امنیت اجتماعی در ایران با فرض نسبی بودن، تنوع، قابل کنترل بودن، تغییر و چندوجهی بودن مفهوم امنیت اجتماعی عبارت‌اند از:

۱. فقر اقتصادی

۲. اعتیاد

۳. خشونت خانوادگی

۴. فساد و فحشا

۵. بی‌اعتمادی



۶. هویت خواهی

۷. تبعیض

۸. نظام تأمین اجتماعی

۹. جنایات سازمان یافته

۱۰. مسائل زنان

۱۱. بیماری‌ها و اختلالات روانی

امنیت اجتماعی به معنای تمهید فضا و ابزارهای لازم برای ابراز وجود و طرح نظر گروه‌های مختلف اجتماعی از قبیل زنان، جوانان، اقوام و اقلیت‌ها هنگامی مؤثر و مطرح است که به عنوان امری گریزناپذیر یا یک ارزش پذیرفته شود. امنیت اجتماعی اطمینان خاطر جامعه در قبال تحولات عادی و تحرکات عمدی معطوف سلامت و هویت خود است. همان‌گونه که دیده می‌شود، در این تعریف، هویت گروهی فقط یکی از منابع نگرانی جامعه است (نصری، به نقل از سایت www.csss.ir). امنیت اجتماعی آرامش و آسودگی خاطری است که جامعه و نظام سیاسی برای اعضای خود ایجاد می‌کند (یزدانی و صادقی، ۱۳۸۹).

نظام‌های امنیت اجتماعی به علت تغییرات دموگرافیک در حال وقوع، به خصوص در نتیجه طول عمر روزافزون افراد، در کانون توجه قرار گرفته‌اند. بر اساس پیش‌بینی‌های سازمان ملل انتظار از زندگی در بیشتر کشورهای جهان، از جمله کشورهای اروپایی، از ۷۳/۸ سال در سال ۲۰۰۵ به ۸۱ سال در سال ۲۰۵۰ م افزایش خواهد یافت. در حال حاضر بیشتر کشورهای جهان با چگونگی بهره‌برداری از فرصت‌های حاصل از افزایش طول عمر و نیز نحوه افزایش سهم افراد سالخورده در مناسبات اجتماعی مواجه هستند (Anderson.2007:633).

چگونگی سازگار کردن طرح‌های امنیت اجتماعی با تغییرات دموگرافیک، به خصوص مسئله افزایش طول عمر، محور سیاست‌گذاری در مورد امنیت اجتماعی در شرایط موجود را تشکیل می‌دهد. این مسئله در بیشتر کشورهای جهان مورد توجه قرار گرفته است و برخی کشورها در این راستا اصلاحاتی انجام داده‌اند. پیشنهادهای اصلاحی در برخی کشورها، از جمله ایالات متحده آمریکا، انگلیس و آلمان بر این امر، دلالت بر افزایش سن پرداخت مقرری افراد و نیز نرخ‌های توزیع دارد (Anderson.2007:634).

بر پایه گفتمان‌های زنانه‌محور می‌توان گفت مسئله امنیت اجتماعی در قبال زنان از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا زنان در طول زندگی در مقابله با مردان از وابستگی بیشتری به دولت برخوردارند (Estos, 2004: 10). به علاوه، وابستگی زنان سالخورده‌تر به دولت و برنامه‌های شبکه ایمنی آن هم‌زمان با سالخوردگی، بیوگی، طلاق و نوسانات در منابع اقتصادی افزایش می‌یابد (همان، ص ۱۰).

یکی از ضرورت‌های وجودی امنیت اجتماعی شکست برنامه‌های بازارمحور است. فقدان مقرری‌ها و بیمه عمر بیش از سنی مشخص، از جمله مصادیق شکست برنامه‌های بازارمحور است. در ایالات متحده آمریکا مقرری‌های پرداختی گران است یا حتی در مواردی اصولاً وجود ندارد. این موضوع نشان‌دهنده نارسایی برنامه‌های بازارمحور است. در چنین شرایطی، امنیت اجتماعی تأمین‌کننده مزایای حاصل از مقرری‌هاست (Hong & Et al, 2006, 119). در مجموع، مفید بودن امنیت اجتماعی در شرایط متنوع ساختارهای بازار در ارتباط با وجود بیمه زندگی و مقرری‌ها امری کاملاً روشن است (Idid , p120) اهمیت بیمه زندگی بدان علت است که فقدان آن باعث کاهش رفاه مردم می‌شود.

خصوصی‌سازی مقوله امنیت اجتماعی از مباحث مورد تأمل است. مدل الگوی انگلیسی خصوصی‌سازی امنیت اجتماعی نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی ممکن است بار مالی ناشی از مقرری‌های پرداختی از بودجه ملی را کاهش دهد. اگرچه چنین اصلاحاتی، دارای تأثیرات مثبتی بر اقتصاد است، اما هر نوع مزایای حاصل از این فرایند متضمن هزینه‌های بالاتر مدیریتی، اعمال فشار به نوسانات بازار بورس، ایجاد نابرابری بیشتر اجتماعی و نیز مقرری کمتر برای قشرهای کم‌درآمدی هم‌چون زنان و کارگران سالخورده است (Williamson, 2002, 415).

– امنیت پایدار، مفهومی میان رشته‌ای

امروز مقوله امنیت پایدار به مفهوم میان‌رشته‌ای تبدیل شده است. بازشناسی و رسیدن به تعریفی نسبتاً جامع بدون توجه به علوم اجتماعی، علوم اقتصادی، علوم سیاسی و مطالعات فرهنگی ممکن نیست. سهم و نقش هر کدام از علوم یادشده در مفهوم‌پردازی و معناشناسی نوین امنیت پایدار یکسان نیست. به دو دلیل امنیت پایدار



مقوله‌ای میان‌رشته‌ای است: یکی، به دلیل به‌هم‌پیوستگی و درهم‌تنیدگی و روابط چندسویه پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با یکدیگر که خود ناشی از خصلت شبکه‌ای بودن جوامع امروزی است. و دیگری، به دلیل ارتباط دوسویه مقوله «امنیت پایدار» با مجموعه پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی. استیون والت در سال ۱۹۹۱ از «رنسانس مطالعات امنیتی» یاد کرد و بر امنیتی ندیدن امور تأکید کرد (Michael, 1996, Michael, Keith and c.will/ams, طیب، به نقل از سایت www.css.ir). امنیت پایدار شامل حفظ محیط زیست، رعایت حقوق مردم و آزادی‌های فردی و امنیت روانی می‌شود. هدف اصلی از رویکرد پایدار به امنیت ملی، امنیت مردم^۱ است و امنیت حاکمیت از آن جهت مورد تأکید واقع می‌شود که زمینه‌ای برای برقراری امنیت مردم شود. در امنیت پایدار، امنیت حاکمیت و امنیت مردم دو روی یک سکه‌اند و راهبردهایی توصیه می‌شود که بتواند در بلندمدت امنیت حاکمیت مردم را تأمین کند (همان).

امنیت پایدار به مثابه امنیت اجتماعی شده فرهنگ‌محور

به اعتقاد نگارنده، امنیت پایدار نوعی امنیت اجتماعی شده فرهنگ‌محور است که می‌تواند با کمترین هزینه اجتماعی و بیشترین پاداش اجتماعی به مجموعه‌ای از نیازهای مادی و فرامادی فرد، گروه‌های اجتماعی و حاکمیت (دولت و حکومت) پاسخ دهد. این پاسخگویی باید بر اساس مؤلفه‌های اساسی فرهنگ خودی شامل مبانی نظری هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی، روشی (شیوه‌های عمل فردی، گروهی و حکومتی) و نمادها و هنجارها صورت گیرد. در این تعریف امنیت پایدار منظومه‌ای به‌هم‌پیوسته از نظر تا عمل است که هیچ‌گسل معرفتی، روشی (تعاملات میان فردی، گروهی و حکومتی) و هنجاری در آن وجود ندارد. این تعریف و برداشت نوعی نگاه ایجابی به امنیت از دریچه فرهنگ اسلامی با محوریت مشارکتهای همه‌جانبه مردم دارد. رضایتمندی، تعلقات اجتماعی، همبستگی و وفاق فرهنگی، اجتماعی، قانون‌گرایی و روحیه همکاری مردم با یکدیگر و با حکومت از شاخص‌های اصلی امنیت اجتماعی شده فرهنگ‌محور است. در این برداشت، سرمایه فرهنگی مولد سرمایه اجتماعی و سرمایه اجتماعی مولد امنیت پایدار است.

راهبردهای اجتماعی فرهنگ‌محور، تنها راهبرد موفق امنیت پایدار در ایران

با توجه به نگاه اسلام به نقش سازنده و کلیدی انسان در شکل‌گیری پدیده‌ها و تحولات اجتماعی و فرهنگی و اینکه در ادبیات قرآنی خداوند سرنوشت یک قوم و جامعه را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه خود بخواهند و خود برای این تغییر آمادگی روحی و فکری پیدا کرده باشند (رعد آیه ۱۱)، هر فرد انسانی گرچه کوچک‌ترین عضو جامعه به شمار می‌آید، در عین حال، مهم‌ترین عنصر محسوب می‌شود. با این توضیح معرفتی و نه روشی می‌توان امنیت فرد انسانی حاضر در جامعه را نقطه آغازین و سنگ زیربنای خوبی برای شکل‌گیری امنیت در سایر سطوح مانند امنیت اجتماعی، امنیت فرهنگی، امنیت سیاسی و... قرار داد. به همین اعتبار یعنی نقش محوری انسان به عنوان موضوع مستقل و بنیادین در کاربرد مفهوم امنیت، می‌توان وارد قلمروهای دیگر علم مانند انسان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، سیاست، فرهنگ و اقتصاد شد. تصریح می‌شود منظور نویسنده این نیست که در موضوع راهبردهای اجتماعی واحد تحلیل که بحثی روشی است، فرد در نظر گرفته شود. منظور این است که به دلیل اهمیت و نقش انسان در نگاه معرفت اسلامی و فرهنگ انقلاب اسلامی نمی‌توان نقش عنصر انسانی را در ایجاد پدیده‌های اجتماعی، از جمله ایجاد امنیت پایدار نادیده گرفت. مقدمه هر تحول اجتماعی و فرهنگی تحول در درون انسان‌هاست. مفهوم امنیت اجتماعی یا امنیت فرهنگی مفهومی میان‌رشته‌ای است. اگر جداسازی ساحت‌های مختلف انسان در عرصه نظر با هدف تولید علم با گرایش‌های گوناگون صورت گیرد و بخواهد تخصصی شدن لایه‌های تو در تو و پیچیده حقیقت هویت آدمی را بکاود و دنبال کند، امری پسندیده و مقبول است. اما نباید تخصصی شدن علوم انسانی به چندپارگی حقیقت هویت واحد انسانی که سرمنشأ وجودی و توحیدی دارد، منجر شود و انسان را از کلیت یکپارچه و منسجم خود خارج و به انسان‌هایی تک‌ساحتی تبدیل کند. در این صورت، انسان دچار هویت‌های گم‌گشته و ناقص نمی‌تواند به امنیت و آرامش فکر کند و اساساً موضوعیت خود را به عنوان محور و مبنای امنیت از دست می‌دهد که امروز اغلب روان‌شناسان و جامعه‌شناسان از آن به عنوان بحران هویت، از خودبیگانگی و بحران معنویت یاد کرده‌اند. با این توصیف مقوله امنیت فردی ابعاد گسترده‌تر فرهنگی، انسان‌شناختی، اجتماعی و سیاسی پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان



از لایه‌های چندگانه امنیت سخن گفت که دو لایه مهم آن عبارت‌اند از: امنیت اجتماعی فرهنگی شده و امنیت فرهنگی اجتماعی شده که هر دو به مثابه دو روی یک سکه‌اند. تجربه نهضت‌های صد ساله اخیر به ویژه پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد تنها راهبردهای اجتماعی برگرفته از فرهنگ اسلام ناب محمدی (صلوات علیه) و فرهنگ غنی و کهن ایرانی می‌تواند مؤثر و موفق عمل کند و جامعه ایران را از بحران‌های دشوار امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با کمترین هزینه‌های اجتماعی و سیاسی عبور دهد. هم‌چنین این تجربه تاریخی و دوره سی ساله انقلاب اسلامی نشان داد که هرگاه مسئولان، کارگزاران، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران جامعه در برنامه‌های کلان و خرد خود از فرهنگ اسلامی و ایرانی فاصله گرفته یا با تساهل و تسامح با تهاجم فکری، فرهنگی و اجتماعی برخورد کرده‌اند و مایل بودند الگوهای توسعه غربی را با همان ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی غرب پیاده کنند، موفق نبودند. این واقعیت مسلم تاریخی است که فرهنگ عموم مردم ایران برگرفته از فرهنگ اسلام ناب محمدی است که با هنر، علم، ادب و ذوق ایرانی درهم آمیخته است و تنها آن دسته از الگوها، اهداف و راهبردهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را می‌پذیرند که برگرفته از مبانی معرفتی قرآن و سیره و سنت اهل بیت علیهم السلام باشد. مردم ایران باهوش و زیرکی که دارند از علوم و فنون سایر ملل و جوامع چه در گذشته یا حال استفاده کرده و می‌کنند، در عین حال، از هوشیاری و بصیرت تاریخی خاصی برخوردارند و مراقب‌اند تا هویت دینی و فرهنگ ملی خود را پاس دارند و آن را از محو شدن در فرهنگ و تمدن بیگانگان حفظ کنند. نمونه بارز این فرهنگ امروزه در آمریکایی شدن سبک زندگی به خوبی قابل درک است (جهانی کردن فرهنگ، اقتصاد و سیاست).

راهبردهای اجتماعی و فرهنگی امنیت پایدار

این بخش از مقاله که در حقیقت بخش اصلی مقاله را تشکیل می‌دهد، بیشتر بر اساس دانش ضمنی و نیز تجارب و مشاهدات نویسنده مقاله صورت‌بندی شده است. بی‌شک مطالعات و تحقیقات پیشین و هم‌چنین اتاق‌های فکر و نشست‌های علمی برگزار شده در این زمینه در طول دو دهه گذشته در ایران که نویسنده به نوعی مستقیم یا غیرمستقیم از نتایج آنها بهره‌برداری کرده در شکل‌گیری این بخش تأثیر داشته است.

۱. مردم‌محوری مهم‌ترین و اولین راهبرد اجتماعی و فرهنگی امنیت پایدار: مردم‌محوری مهم‌ترین و اولین راهبرد اجتماعی امنیت پایدار نظام جمهوری اسلامی ایران است. بر اساس ضرب‌المثل «آزموده را آزمودن خطاست»، تجربیات تلخ و شیرین نهضت‌های صد ساله اخیر به ویژه تجربه موفق انقلاب اسلامی و مسائل و بحران‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری سی ساله گذشته همگی گواه این معناست. سبک رهبری بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) و به دنبال آن مقام معظم رهبری مدظله العالی در برخورد با مسائل کلان نظام، از جمله مقوله‌های امنیت به خوبی نقش محوری مردم را در تحقق امنیت پایدار نشان می‌دهد. کسانی که هویت دینی، فرهنگی و انقلابی این ملت با فرهنگ را دست‌کم گرفته‌اند، به خوبی به این معنا واقف‌اند. آنان با استفاده از تمام ظرفیت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در اغلب حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و با به کارگیری تمام تکنیک‌های علمی روز در حوزه‌های جنگ نرم می‌کوشند با القای احساس جدایی ترجیحات مردم از ترجیحات حکومت، احساس ناامیدی، احساس ضعف در همبستگی ملی و اجتماعی و احساس دوری مردم از ارزش‌های بنیادین اسلام و انقلاب، مردم را به عنوان محور امنیت پایدار از میدان خارج کنند.

۲. ظرفیت‌سازی: ظرفیت‌سازی‌های مستمر، پویا و واقع‌بینانه در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به عنوان راهکاری همیشگی باید در کانون توجه برنامه‌ریزان کلان، متوسط و خرد جامعه به ویژه در سطح تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران و کارگزاران و برنامه‌ریزان اجرایی، قضایی و مجلس قرار گیرد. نسل‌های جدید که پا به عرصه حیات اجتماعی می‌گذارند به لحاظ استعداد، ظرفیت و نیازمندی‌ها با نسل‌های موجود و گذشته متفاوت‌اند. قالب و ظرفیت‌های موجود یا گذشته برای آنان اقل‌کننده نیست. تنوع و سرعت تغییرات و ورود محصولات و عرصه‌های جدید و متنوع جهان خارج هم وجود دارد. حال اگر در این وضعیت برای شناسایی، جذب، به کارگیری و استفاده از تمام استعدادها و علایق مردم و تمام لایه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ظرفیت‌سازی‌های ملی، استانی و شهرستانی صورت نگیرد، نسل‌های جدید احساس سردرگمی، پریشانی و بی‌ارزشی خواهند کرد و این بهترین فرصت و زمینه برای جذب آنان به سمت فرهنگ‌های بیگانه و غیرخودی است. نکته کلیدی این است که باید این ظرفیت‌سازی‌ها فراشخصی، فراسلیقه‌ای و فراگروهی باشد و در عین حال،



عالمانه و هوشمندانه و با محوریت مشارکتهای واقعی و نه صوری مردمی باشد. مردم منبع انرژی پایان‌ناپذیر و قوه محرکه جامعه‌اند.

۳. تولید و بازتولید مستمر و فزاینده فرهنگ امنیت میان لایه‌های گوناگون اجتماعی: تولید فرهنگ امنیت به معنای فرهنگی دیدن امنیت و نه امنیتی کردن فرهنگ و پدیده‌های اجتماعی بر اساس شرایط و مقتضیات گروه‌های اجتماعی و لایه‌های جمعیتی و سنی است. اگر مقوله امنیت با همه زوایا، ابعاد و سطوح آن برای مردم، مسئولان و نخبگان فکری و اصحاب رسانه‌ها به عنوان امری فرهنگی تلقی شود، مقوله‌ای که از یک سو برخاسته از نیازهای درونی و از ضروری‌ترین آنهاست و باید در چارچوب مبانی معرفت‌دینی و فرهنگ ملی و البته متناسب با واقعیت‌های اجتماعی تولید و بازتولید شود و از سوی دیگر، همه (مردم و دولت) این امر را یک دغدغه فردی و اجتماعی بدانند و خود را در تولید و بازتولید آن مسئول، متعهد و سهیم بدانند و بی‌اعتنا از کنار آن عبور نکنند، در این صورت تولید فرهنگ امنیت در میان لایه‌های گوناگون اجتماعی تحقق خواهد یافت. نتیجه این فرهنگ، نهادینه شدن امنیت پایدار اجتماعی‌شده فرهنگ‌محور است.

۴. تولید و بازتولید مستمر و فزاینده فرایندهای نظم اجتماعی از طریق جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری: اگر جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری که از خانواده شروع و توسط سایر نهادهای اجتماعی‌کننده مانند گروه دوستان، مدرسه و فضای اجتماعی و رسانه‌ها تکمیل می‌شود، اساس و پایه نظم اجتماعی است و نظم اجتماعی هم اساس و پایه امنیت پایدار است و تغییرات اجتماعی و تغییر ذائقه‌های اجتماعی نسل‌های جدید هم امری طبیعی است، در این صورت، باید فرایندهای نظم‌پذیری اجتماعی مستور بازتولید شود تا بتواند به نیازهای جدید پاسخ دهد. اگر امنیت اجتماعی به عنوان محور نظم‌پذیری اجتماعی در کانون توجه سیاست‌گذاران آموزشی و تربیتی قرار گیرد و در میدان عمل اجتماعی (برنامه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دولت) هم به خوبی اجرا شود و جامعه درگیر تنش‌های سیاسی‌شده نشود، می‌توان امیدوار بود و انتظار داشت در زمانی منطقی نسل آتی رفتارهای اجتماعی و سیاسی خود را در چارچوب نظم اجتماعی فرهنگی‌شده با محوریت امنیت درونی‌شده و پایدار از خود بروز دهد.



۵. تولید و بازتولید مستمر و فزاینده در فرایندهای مرتبط با ایجاد وحدت رویه و عدم برخورد‌های سلیقه‌ای دستگاه‌های مسئول با آسیب‌ها و جرایم حوزه امنیت اجتماعی: بی‌شک فقدان یا ضعف سازمانی، ساختاری، فرهنگی یا مدیریتی در ایجاد سیاست‌گذاری واحد و منسجم به ویژه در اجرا به منظور پیشگیری، درمان و مقابله با آسیب‌های اجتماعی یا در حوزه جرایم اجتماعی یکی از نقاط ضعف سازمان‌های ذی‌ربط است. به همین دلیل، بازتولید مستمر و فزاینده در فرایندهای مرتبط با ایجاد وحدت رویه و عدم برخورد‌های سلیقه‌ای دستگاه‌های مسئول می‌تواند به عنوان راهبردی اجتماعی و فرهنگی در اصلاح سیستم‌های مدیریتی مورد توجه قرار گیرد.

۶. تقویت و اقتداربخشی به نهادها و سازمان‌های نظامی، انتظامی و قضایی مسئول در حوزه امنیت عمومی که مسئول حفظ جان، مال و نوامیس اعضای جامعه هستند.

۷. تقویت و اقتداربخشی به نهادها و سازمان‌های نظامی، انتظامی و قضایی مسئول در حوزه امنیت اجتماعی که مسئول حفظ ارزش‌های حیاتی و اساسی جامعه هستند.

نهادها و سازمان‌های نظامی، انتظامی و قضایی مسئول چه در حوزه امنیت عمومی که مسئول حفظ جان، مال و نوامیس اعضای جامعه هستند یا در حوزه امنیت اجتماعی که مسئول حفظ ارزش‌های حیاتی و اساسی جامعه هستند، باید از اقتدار (قدرت توأم با مقبولیت و رضایتمندی اجتماعی) لازم برخوردار باشند. هر گونه ناهماهنگی میان این سازمان‌ها یا ورود یکسویه هریک از آنها به جامعه در حالی که از سوی سازمان‌های ذی‌ربط با بی‌اعتنایی و بعضاً خنثی‌سازی روبه‌رو شود، سبب کاهش اقتدار آنان خواهد شد.



منابع فارسی

- آشوری، داریوش (۱۳۷۸)، دانشنامه سیاسی تهران، انتشارات مروارید.
- آقابخشی، علی و افشاری‌راد، مینو (۱۳۷۸)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
- افتخاری، اصغر (بی تا)، «نبود سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در امنیت»، سایت WWW.aftab.ir.
- افتخاری، علیرضا (۱۳۸۴)، «ساختار اجتماعی امنیت، مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران»، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، ش. اول، تهران: گلیویه.
- اما، روچیلد (۱۹۹۵)، «امنیت چیست؟»، ترجمه علیرضا طیب (بی تا)، سایت WWW.CSSS.IR، ۱۶/۹/۱۳۹۰.
- بوزان، باری (۱۳۸۷)، تأمین اجتماعی، مشهد: آستان قدس رضوی، دانشگاه امام صادق (ع).
- بیل، مک سوینتی (۱۹۹۶)، «هویت و امنیت»، ترجمه علیرضا طیب (بی تا)، سایت WWW.CSSS.IR، ۱۶/۹/۱۳۹۰.
- پورهاشمی، سید عباس (خرداد ۱۳۸۲)، «احساس امنیت و حقوق شهروندی»، پگاه حوزه، ش ۱۳۵.
- دارابی، علی، «نگاهی نو به مقوله امنیت در جمهوری اسلامی ایران»، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، ش ۶.
- رومینا، ابراهیم (بی تا)، «تحول در مفهوم امنیت» سایت WWW.CSSS.IR، ۱۶/۹/۱۳۹۰.
- سالار، محمد (بی تا)، «مؤلفه‌های امنیت در اندیشه امام خمینی (ره)»، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، ش ۶ (برگرفته از سایت WWW.tebyan.net)، ۱۰/۶/۱۳۸۹.
- سورک، آستری (۱۹۹۹)، «امنیت انسانی و منافع دولت‌ها»، ترجمه علیرضا طیب (بی تا)، سایت WWW.CSSS.IR، ۱۶/۹/۱۳۹۰.
- صالحی امیری، سید رضا، افسر افشار نادری (۱۳۹۰)، «مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران»، فصلنامه راهبرد، س ۲۰، ش ۵۹.
- عبدالمحمدی، حسین (بی تا)، «تأثیر فساد مالی بر امنیت ملی»، فصلنامه معرفت، ش ۵۲.

- عمید، حسن، فرهنگ عمید.

- کاظمی، علی اصغر (۱۳۵۲)، روابط بین‌الملل در تئوری و عمل، تهران: قومس.

- معین، محمد (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ ششم.

- المنجمد فی الغه (۱۹۷۳)، تهران: انتشارات اسماعیلیان، افست از روی دارالمشرق، بیروت، چاپ ۲۳.

- میرسندسی، سید محمد (۱۳۹۰)، «تحلیل جامعه‌شناسی امنیت در ایران با تأکید بر رویکرد تاریخی»، نشست گروه پژوهشی جامعه و امنیت (۹۰/۳/۴)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی از سایت WWW.CSSS.IR.

- میرسندسی، سید محمد (بی تا)، «نقش نهادهای واسط در امنیت اجتماعی» سایت WWW.CSSS.IR، ۱۳۹۰/۹/۱۶.

- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۸)، امنیت اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

منابع لاتین

Anderson, Torben M. (2007), "Increasing longevity and Social Security Reforms: A legislative Procedure Approach", *Journal of Public Economics* 92.

- Estos, Carroll L. (2004), "Social Security Privatization and Older Women: A Feminist Political Economy Perspective", *Journal of Aging Studies* 18.

- Hong Jay H. & Jose -Victor Rios-Rull (2006), "Social Security, life Insurance and Annuities for Families", *Journal of Monetary Economics* 54.

- Williamson, John B. (2002), "Privatization of Social Security in the United Kingdom Warning or Exemplar?", *Journal of Aging Studies* 16

